



Investigation of the wars in Azerbaijan and Armenia (2020-1918)

Milad Elahi Nia ¹ – Mohsen Rostami ²

Abstract

The Nagorno-Karabakh conflict is one of the long-standing crises in the South Caucasus region, which over time has become international and regional in nature. This conflict has become a major problem from 1988 to 2020 and has led to a conflict between Armenia and the Republic of Azerbaijan. However, despite the efforts of the two countries and the international community and the regions to resolve this conflict peacefully remained fruitless, so the fate of this crisis with the conflict between the Republic of Azerbaijan and Armenia on September 27, 2020 and after six weeks of military conflict. In Karabakh, a peace agreement was finally signed with Russia. The main question of the research is what was the situation of the wars between Azerbaijan and Armenia before the 2020 peace? For this answer, the article will examine the course of these wars from 1918 to 2020. The findings show that the situation of this crisis is mainly in the conditions of neither war nor peace, and the recent agreement of 2020 is also in the conditions of frozen peace.

Keywords: ISIS, Europe, Islamophobia, Immigration, Far Right, Copenhagen

¹ M.Sc. Student of Middle East and North Africa Studies Mofid University of Qom, Iran. Www.elaheeniamilad@gmail.com

² Assistant Professor, University and Higher Research Institute of National Defense and Strategic Research, Tehran, Iran.



بررسی جنگ‌های آذربایجان و ارمنستان (۱۹۱۸-۲۰۲۰)

میلاذ الهی نیا^۱

محمدحسن دهقان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰

چکیده

مناقشه قره‌باغ از بحران‌های دیرپای منطقه قفقاز جنوبی است که به‌مرورزمان با ادامه آن ماهیت بین‌المللی و منطقه‌ای پیدا کرده است. این درگیری از ۱۹۸۸ تا ۲۰۲۰ به یک معضل اساسی تبدیل شده و به بروز درگیری میان دو کشور ارمنستان و جمهوری آذربایجان منجر شده است. با این حال علی‌رغم تلاش‌های دو کشور و مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای حل این مناقشه به‌صورت مسالمت‌آمیز بی‌نتیجه باقی ماند از همین رو، سرنوشت این بحران همراه با درگیری بین جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ و پس از شش هفته درگیری‌های نظامی در قره‌باغ در نهایت با حضور روسیه به امضا توافقنامه‌ای رسید صلح رسید. سؤال اصلی پژوهش این است که تا پیش از صلح ۲۰۲۰ روند جنگ‌های بین آذربایجان و ارمنستان با چه وضعیتی روبرو بوده است؟ برای این پاسخ مقاله به بررسی روند این جنگ‌ها از ۱۹۱۸ تا ۲۰۲۰ خواهد پرداخت. یافته‌ها نشان می‌دهد که وضعیت این بحران عمدتاً در شرایط نه جنگ و نه صلح بوده و توافق اخیر ۲۰۲۰ نیز در شرایط صلح فریز شده قرار دارد.

واژگان کلیدی: آذربایجان، ارمنستان، قره‌باغ، قفقاز جنوبی، واقع‌گرایی تهاجمی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا دانشگاه مفید قم، ایران (نویسنده‌ی مسئول)
Www.elaheenihamilad@gmail.com

^۲ استادیار دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران

مقدمه

با تغییرات ژئوپلیتیکی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، بحران قره‌باغ بین آذربایجان و ارمنستان تشدید شد. این منطقه به دلیل شرایط خاص تاریخی، جغرافیایی و راهبردی برای دو کشور اهمیت ویژه‌ای دارد. مناقشه قره‌باغ از بحران‌های دیرپای سرزمین‌های شوروی سابق است که روزه‌روز ادامه و ماهیت بین‌المللی پیدا کرده است. وقوع درگیری‌ها پس از سال ۱۹۹۱ به‌عنوان یک معضل اساسی بین دو کشور ارمنستان و آذربایجان و منطقه قفقاز جنوبی تبدیل شده است و هر دو کشور مبارزه‌های مسلحانه گوناگونی بر سر این منطقه داشته‌اند. شورای امنیت در سال ۱۹۹۳ چهار قطعنامه ۸۲۲ (۶ آوریل ۱۹۹۳)، قطعنامه ۸۵۳ (۲۹ جولای ۱۹۹۳)، قطعنامه ۸۷۴ (۱۴ اکتبر ۱۹۹۳) و قطعنامه ۸۸۴ (۱۲ نوامبر ۱۹۹۳) را برای پایان بحران تصویب کرد؛ اما در پی ناتوانی حل این بحران روند برقرار سازی صلح به یک سازمان امنیت و همکاری اروپا واگذار شد. گروه مینسک وابسته به این سازمان در سال ۱۹۹۲ و با عضویت نه کشور به ریاست آمریکا، روسیه و فرانسه تشکیل و در سال ۱۹۹۴ توانست توافقنامه آتش‌بس میان آذربایجان و ارمنستان را به امضا برساند اما بحران به سبب تحت کنترل ماندن اراضی توسط ارمنستان باقی ماند. سازمان ملل نسبت به بازگرداندن اراضی به آذربایجان تأکید کرده است اما ارمنستان از این اقدام سرباز می‌زد. در نتیجه جنگ‌های متعدد بر سر بازپس‌گیری این منطقه رخ داد. در جنگ اخیر در سال ۲۰۲۰ این جنگ با برتری آذربایجان به پایان رسید. با این حال برای بررسی دقیق روند صلح و جنگ‌های آذربایجان و ارمنستان لازم است تا این روندها به صورت دقیق مورد بررسی قرار بگیرد؛ بنابراین سؤال اصلی پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده این است که تا پیش از صلح ۲۰۲۰ روند جنگ‌های بین آذربایجان و ارمنستان با چه وضعیتی روبرو بوده است؟ فرضیه مقاله این است که علت تداوم جنگ‌های دو کشور به خاطر دائمی نبودن صلح که ناشی از

وضعیت نه جنگ و نه صلح است و صلح اخیر در سال ۲۰۲۰ نیز به سبب پایان ندادن دائمی بحران وضعیت بحران را در شرایط صلح فریز قرار داده است.

چارچوب نظری

نظریه سیاست بین الملل والتز به نوعی موجب تغییر شکل نظریه واقع گرایی شد. در واقع، والتز کانون و محور تبیین و تشریح را از اهمیت دولت ها به محیط بین المللی که دولت ها با آن روبه رو هستند تغییر داد. والتز با یک مفروض ساده و کمینه شروع می کند که اولویت نخست همه دولت ها حفظ و بقای خود است، هر چند ممکن است این دولت ها هدف های دیگر نیز در سر داشته باشند. از سوی دیگر، ما می توانیم با تمرکز صرف بر انگیزه بقا با تعامل های میان دولت ها آشنا شویم. حفظ بقا انگیزه ای خوب و بی خطر است. بدین معنا که هدف از بقا تصاحب منابع سایر دولت ها نیست بلکه صیانت از داشته های خود آن دولت است. به نظر می رسد چشمگیرترین یافته واقع گرایی ساختاری والتز نتیجه ها و مبانی ضد شهودی آن است. در حقیقت، والتز معتقد است که سیاست بین الملل گرایش فراوانی در جهت شکل گیری رقابت دارد. نظام بین الملل دولت ها را به رقابت سوق می دهد حتی اگر آن ها با یکدیگر تضاد منافع نیز نداشته باشند (التز، ۱۹۸۹: ۴۳). در همین راستا بخشی از مکتب نوواقع گرایی، واقع گرای تهاجمی به عنوان یک نظریه ساختاری است که برای نخستین بر توسط جان مرشایمر مطرح شد. این نظریه با توجه به مبنای واقع گرایی خود مدعی است که آشوب زده بودن نظام جهانی باعث رفتار تهاجمی دولت ها در سیاست بین الملل می گردد. این نظریه اساساً در مقابل واقع گرایی تدافعی است که کنت والتز آن را مطرح می سازد. به نظر مرشایمر دلیل اصلی قدرت طلبی دولت ها در سه چیز باید جستجو شود:

۱- ساختار هرج و مرج گون نظام بین الملل؛

۲- توانمندی های تهاجمی که دولت ها از آن برخوردارند؛

۳- عدم اطمینان در مورد نیت و مقاصد دشمن (آقا حسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۲-۱۸۱).

بدین ترتیب شرایط آنارشیک موجود در محیط بین‌الملل، دولت‌ها را به سمت‌وسوی نوعی خودیاری سوق می‌دهد. خودیاری بدین معناست که دولت‌ها با تدوین و پیگیری سیاست‌های رقابتی یک‌جانبه درصدد حفظ منافع خود برمی‌آیند (Waltz, 1979: 111)؛ بنابراین باوجود احتمال رویارویی با چنین شرایط هولناکی، دولت‌ها تمایل زیادی به پیگیری سیاست‌هایی دارند که بتوانند با تکیه بر آن‌ها توانمندی‌هایشان در صیانت از امنیت خود را افزایش دهند (Waltz, 1979: 118-19). مرشایمر معتقد است قابلیت‌های مادی یک کشور از قدرت اقتصادی و نیروی نظامی تشکیل شده است. این دو مؤلفه ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند، زیرا پایه‌های قدرت نظامی بر بستر منابع ثروت قرار می‌گیرد و ترمیم منابع، به معنای تغییر در حوزه نظامی است. به همین دلیل برای واقع‌گرایان تهاجمی، سیاست بین‌الملل با کشمکش برای تصاحب منابع مادی بیشتر قابل توصیف است. آن‌ها مطرح می‌کنند که آیا یک کشور منابع مادی کافی برای تسلط بر منطقه خود و تأثیرگذاری مؤثر بر سایرین را داراست؟! (محمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۶-۱۵۵). در خصوص تطبیق این نظریه با این پژوهش باید گفت با به بن‌بست رسیدن روند صلح قره‌باغ از مجاری قانونی و حقوقی، ساختار آنارشیک منجر به درگیری بین دو طرف آذربایجان و ارمنستان شده است. با این حال نقش اقتصاد روبه‌جلو آذربایجان در تقویت قدرت نظامی خود منجر به زمینه‌سازی برای بروز آخرین جنگ موفقیت‌آمیز در سال ۲۰۲۰ شده است؛ بنابراین بین توانایی اقتصادی و نظامی می‌توان رابطه‌ای را دریافت.

بحران قره‌باغ

ناگورنو قره‌باغ ترکیبی از سه زبان ترکی، فارسی و روسی است. «کارا» در زبان ترکی به معنی سیاه و «باغ» در فارسی به معنای باغ و همچنین در ترکی به معنی انگور است. «ناگورنو» نیز در زبان روسی به معنای کوهستانی است؛ بنابراین نام منطقه، سه زبان مختلف

که در واقع سه قدرتی را که در طول تاریخ بر این قلمرو مسلط بوده‌اند، به همراه دارد. این منطقه در زبان ارمنی به نام «ارساخا» و در آذری به «یوقاری» یا «داغلیق قره‌باغ» مشهور است (Schwartz and Panossian, 1994). در خصوص تاریخچه اختلاف بر سر این منطقه باید گفت حاکمیت قره‌باغ تا قرن چهاردهم میلادی بین کشورهای عربی، مغول، ترک و ایرانی دست‌به‌دست می‌شد. در قرن چهارم پادشاهی صفویه نوعی خودمختاری به قره‌باغ اعطا کرد. چندی طول کشید که خانواده‌های متنفذ در قره‌باغ پدیدار شدند که منجر به درگیری‌های قدرت بین آن‌ها شد. در اواسط قرن هجدهم، یک حکومت سلطنتی نیمه‌مستقل، یعنی خانات قره‌باغ در سوشا توسط آذری‌ها ایجاد شد. از این رو ناحیه قره‌باغ با باکو، شیروان، شکی، کوبا، نخجوان و دربنت و ایروان تحت سلطه این حاکم درآمد. همه این خانات توسط خانواده‌های مسلمان ترک اداره می‌شد که ترکیبی از جمعیت آرامنه و سایر گروه‌های قومی بود. همچنین قابل ذکر است که منطقه ایروان یکی از مناطق با اکثریت مسلمان در سال ۱۸۲۶ بود که در سال ۱۸۳۲ ترکیب جمعیتی به سود آرامنه تغییر کرد. به‌هرحال، در اواخر قرن هجدهم، روس‌ها توانستند مرزهای خود را در منطقه قفقاز گسترش دهند و آذربایجان به تصرف روس‌ها درآید. در سال‌های اول قرن نوزدهم، روسیه سعی کرد تا نفوذ خود بر خانات آذربایجان را به اثبات برساند و قره‌باغ نیز یکی از نخستین مناطقی بود که حاکمیت روسیه را پذیرفت. تلاش‌های روسیه برای به دست آوردن کنترل منجر به اولین جنگ روسیه و ایران در سال ۱۳-۱۸۱۲ شد. معاهده گلستان رسماً کنترل قره‌باغ را از ایران گرفت و به روسیه داد. ده سال بعد شورش‌های جدیدی در قره‌باغ و دیگر خانات رخ داد که سعی داشتند حاکمیت این مناطق را از روسیه باز پس بگیرند. این تحرکات تحت حمایت ایران بود و بنابراین دوباره جنگ روسیه و ایران آغاز شد که به امضای عهدنامه ترکمانچای منجر شد و حاکمیت روسیه بر آذربایجان و ارمنستان در سال ۱۸۲۸ تثبیت گردید.

روس‌ها در سال ۱۸۲۲ قره‌باغ کوهستانی را تصرف کردند و ابراهیم خلیل خان حاکم قره‌باغ را به رسمیت شناختند. عهدنامه ترکمانچای ۱۸۲۸، کنترل روسیه را با ایران به طور قاطع تأیید کرد. این امر ممکن است باعث آوارگی و خشونت شود. سلطه قومی آذربایجان در دهه ۱۸۹۰ با ۲۵ درصد در سال ۱۹۸۸ دست‌نخورده باقی ماند. این درصد در قره‌باغ کوهستانی در سال ۱۹۸۹ به صفر کاهش یافت. فیلیپ رملر^۱، مدیر مؤسسه صلح بین‌المللی (IPI)، می‌گوید که ایالات متحده از سال ۱۹۸۷ گزارشی زمانی در مورد قره‌باغ ارائه کرده است و نشان می‌دهد که ارمنی‌های ملی‌گرای ستیزه‌جو از خارج از کشور در قره‌باغ مستقر شدند. از این رو، از سال ۱۸۲۳ یک سری حوادث رخ می‌دهد، آذربایجانی‌ها مرگ، آوارگی، تبعید و تحقیر را تجربه کردند (KHAN, 2020).

این مسئله اهمیت زیادی دارد؛ چراکه پس‌از این معاهده، روسیه ترکیب جمعیتی این منطقه را تغییر داد. طبق آمار سرشماری روسیه، جمعیت ارمنی در قره‌باغ در سال ۱۸۲۳ میلادی ۹ درصد از کل جمعیت بوده است که ۹۱ درصد را مسلمانان تشکیل می‌دادند. در سال ۱۸۳۲ جمعیت ارمنه قره‌باغ به ۳۵ درصد و در سال ۱۸۸۰ به ۵۳ درصد که اکثریت جمعیت قره‌باغ را تشکیل می‌داد، رسید. این روند پس از جنگ روسیه و ترکیه در ۵۶-۱۸۵۵ توسط روسیه تسریع گردید. در مقابل ارمنه به‌عنوان متحدان طبیعی روسیه در منطقه به تزار وفادار و قابل‌اعتماد بودند. ارمنه توسط مقامات روسیه مورد حمایت قرار گرفتند و حتی پست‌های مهمی در مدیریت منطقه کسب کردند. عثمانی‌ها هم ارمنه را به‌عنوان ستون پنجم روسیه در منطقه تلقی می‌کردند. در اواخر قرن، بیش از یک میلیون و دویست ارمنی در قفقاز که ارمنستان شرقی نامیده می‌شد، زندگی می‌کردند. درباره جمعیت ارمنه در ارمنستان غربی که در ترکیه امروزی واقع شده است، میان منابع ارمنی و ترک اختلاف است. در نیمه دوم قرن نوزدهم، رونق نفت باکو منجر به تجمع ارمنه در باکو شد که دارای پست‌های عالی مدیریتی و صنعتی بودند. از آنجا که ارمنه توسط حاکمان روس گماشته

¹ Philip Remler

شده بودند، تنش میان آنها و بومیان به وجود آمد. درحالی که این دو قبلاً قادر به زندگی صلح آمیز بودند. این واقعیت که ارامنه شروع به خرید سرزمین های آذری ها کرده بودند، تنش ها را افزایش داد. آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه قره باغ وارد جنگی خونین و ویرانگر شدند، در مجموع ساختار آنارشیک مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی، یکی از مهم ترین دلایلی است که مانع از ایجاد یک رژیم امنیتی مشترک در این منطقه طی دو دهه گذشته شده است (Hewitt, 2001:53-56).

جنگ های آذربایجان و ارمنستان

در اواخر دهه ۱۷۰۰، خانان قره باغ تحت حاکمیت پارسیان تأسیس شد، اما پس از کنترل امپراتوری روسیه بر این منطقه در اوایل دهه ۱۸۰۰ لغو شد. مشکلات بر سر وضعیت قره باغ پس از انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷ و عقب نشینی نیروهای روسیه از قفقاز آغاز شد. هر دو ارمنستان و آذربایجان زمانی که در ماه مه ۱۹۱۸ مستقل شدند، ادعا کردند که این منطقه متعلق به آنهاست (Baghdassarian, 2020). سیر تاریخی تا ۲۰۲۰ در ادامه آمده است:

- ۱۹۱۸ اعلام استقلال جمهوری دموکراتیک ارمنستان و جمهوری دموکراتیک آذربایجان .
- ۱۹۲۰ جنگ ترکیه - ارمنستان و ارمنستان - آذربایجان؛ معاهدات مسکو و قارص؛ تهاجم شوروی؛ تأسیس جمهوری سوسیالیستی ارمنستان و جمهوری سوسیالیستی آذربایجان .
- ۱۹۲۲ الحاق این دو کشور به اتحاد جماهیر شوروی .
- ۱۹۲۳ ایجاد منطقه خودمختار قره باغ کوهستانی .
- ۱۹۸۸ درخواست الحاق قره باغ کوهستانی به ارمنستان .
- ۱۹۹۱ اعلام استقلال ارمنستان و آذربایجان. اعلام استقلال قره باغ کوهستانی. آغاز جنگ .
- ۱۹۹۲ تأسیس «گروه مینسک» (ایالات متحده، فرانسه، روسیه).

- ۱۹۹۴ آتش‌بس؛ ارمنستان هفت ناحیه آذربایجان را اشغال کرده و تقریباً تمام قره‌باغ کوهستانی یا ۱۵ درصد از خاک آذربایجان را تحت کنترل دارد.
 - ۲۰۱۶ درگیری‌های خشونت‌آمیز
 - ۲۰۲۰ فتح مجدد نواحی اشغالی و بخشی از قره‌باغ توسط آذربایجان. آتش‌بس
 - ۲۰۲۱ توافقنامه سه‌جانبه مسکو؛ موافقت‌نامه ایجاد کمیسیون مرزی؛ حوادث مرگبار (Tertrais, 2021)
- در ادامه به جنگ‌های آذربایجان و ارمنستان از ۱۹۱۸ تا ۲۰۲۰ پرداخته خواهد شد.

تنش در سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ میلادی

جنگ ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ میلادی به مدت دو سال به طول انجامید. با فروپاشی امپراتوری نیکلای دوم - انقلاب روسیه (۱۹۱۷) و ظهور دولت‌های مستقل در قفقاز در سال‌های آخر جنگ جهانی اول، رقابت در جهت چیرگی بر قره‌باغ و همچنین اختلاف مرزی، قومیتی و تاریخی در کوهستان زانگزور، نخجوان که باعث درگیری‌های شدیدی میان اولین جمهوری ارمنستان و جمهوری دموکراتیک آذربایجان تبدیل شد (Hovannisian, 1967). این جنگ به‌عنوان بخشی از یک‌رشته عملیات جنگی در قفقاز (نبرد باکو، نبرد ساردارآباد، جنگ ارمنستان-ترکیه) که به مدت چهار سال به طول انجامید است. مرزبندی‌های تحمیلی و ناهمخوان با واقعیت تاریخی و اجتماعی دوران شوروی موجب شد پایه‌های بسیاری از مناقشات قومی و سرزمینی نظیر آبخازیا، اوستیای جنوبی، آبخازیا، قره‌باغ و نظیر آن در فضای منطقه قفقاز شکل گیرد که تنها ارمنان آن تنش و بی‌ثباتی برای ملت‌ها و دولت‌های منطقه بود. پس از سقوط دولت‌های مستقل قفقاز در سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ میلادی نقشه سیاسی قفقاز با رویکرد خاص حزب کمونیست یعنی مهندسی ملیت‌ها دچار تغییرات فراوانی شد که منطقه قره‌باغ به‌نوعی در کانون این

تغییرات قرار داشت (Aerospacetalk, 1397). بدین ترتیب مجادله و مذاکره بر سر سرنوشت منطقه قره‌باغ بیش از دو دهه پس از تأسیس اتحاد شوروی ادامه یافت. نمونه‌ای از این مجادله‌ها و توافقات‌ها در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

در مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۲۰ کمیته انقلاب آذربایجان درباره بخش جدایی‌ناپذیر بودن قره‌باغ کوهستانی، زانگور و نخجوان به جمهوری سوسیالیستی ارمنستان شوروی بیان می‌دارد که با کسب اطلاع از اعلام جمهوری شوروی سوسیالیستی در ارمنستان از سوی دهقانان و کارگران، دولت آذربایجان به خاطر پیروزی خلق برادر درود می‌فرستد. از امروز مرزهای قبلی ارمنستان و آذربایجان لغو می‌شوند. قره‌باغ کوهستانی، زانگور و نخجوان به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان به رسمیت شناخته می‌شوند. همچنین متن فرمان کمیته انقلاب ارمنستان درباره الحاق قره‌باغ کوهستانی به ارمنستان را چنین بیان می‌کند که بر پایه اعلامیه کمیته انقلاب جمهوری سوسیالیستی شوروی آذربایجان و توافق به‌دست‌آمده میان دولت‌های جماهیر شوروی سوسیالیستی ارمنستان و آذربایجان، بدین‌وسیله اعلام می‌گردد که قره‌باغ کوهستانی از هم‌اکنون بخش جدائی‌ناپذیر جماهیر شوروی سوسیالیستی ارمنستان را تشکیل می‌دهد.^۱ در مقابل در اصلاحیه قانون اساسی شوروی در ۲۵ سال ۱۹۴۸ میلادی، سرنوشت سیاسی و حقوقی این منطقه چنین بیان شده است که جمهوری خودمختار شوروی سوسیالیستی نخجوان و استان خودمختار قره‌باغ کوهستانی در قلمرو جمهوری سوسیالیستی آذربایجان می‌باشند. بهر حال پس از مرگ استالین و آغاز روند استالین زدایی در فضای سیاسی شوروی، تحرک تازه‌ای در فعالیت ارمنیان پدید آمد. در ۱۹ می ۱۹۶۳ میلادی نامه‌ای به امضاء ۴۵۰۰ نفر از ارمنی‌های قره‌باغ در اعتراض به تداوم سیاست تبعیض و تجاوز جمهوری آذربایجان علیه ارمنیان، تقدیم نیکتا خروشچف شد که البته اقدام خاصی از سوی رهبر شوروی صورت نگرفت (اولام، ۱۳۶۸: ۱۰۴). در این شکوائیه به مسائلی مانند توجه صرف به توسعه و

¹ <http://louysonline.com/archives/Cover/Cover%20-%20173-%20Internal-color.pdf>

پیشرفت مناطق آذربایجانی، مشارکت بیش از حد قره‌باغی‌ها در توسعه اقتصادی آذربایجان، توجه به محدودیت منابع و عدم پیشرفت قره‌باغ، چگونگی تخصیص آب رودخانه‌های جاری در قره‌باغ به مناطق دیگر و مسائل فرهنگی-آموزشی اشاره شده بود (ارفعی، ۱۳۷۱: ۱۷۴).

حوادث جنگ قره‌باغ در سال ۱۹۹۱ میلادی

در ۲ سپتامبر ۱۹۹۱ میلادی منطقه قره‌باغ اعلام استقلال نمود با پیروزی جنبش ملی ارمنیان به رهبری ترپتروسیان در ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۱ میلادی و نیز پیروزی جبهه خلق مردمی به رهبری مطلوبوف در ۸ سپتامبر همان سال پیامدهای بسیار مهمی را در عرصه تحولات منطقه قره‌باغ به دنبال داشت. نخستین تحول مهم قطع حرکت قطارها به ارمنستان بود که اوضاع را به شدت متشنج نمود. در این شرایط نخستین کوشش میانجی‌گریانه بین‌المللی برای کاهش تنش صورت پذیرفت و بوریس یلتسین و نورسلطان نظربایف، رؤسای جمهور وقت روسیه و قزاقستان در مذاکرات خود با ترپتروسیان و مطلوبوف کوشش نمودند راه‌حلی برای پایان بحران بیابند که نتیجه نهایی آن، صدور بیانیه ژلزنوودسک^۱ بود. وجود درگیری‌های خونین در اثنای مذاکرات و حتی پس از صدور بیانیه، نشانگر آن بود که امضاکنندگان بیانیه کنترلی بر طرفین درگیری ندارند و به قبول یک روزنامه‌نگار آذربایجانی، بیانیه ژلزنوودسک مانند نوری بود که از سوراخ سوزن دیده می‌شد (زارع شاهرسی، ۱۳۸۷: ۳۹۹). اعلامیه ژلزنوودسک اولین توافق آتش‌بس در تاریخ مناقشه قره‌باغ کوهستانی بود. با این وجود، بر اساس این توافق باید اقدامات بیشتری انجام شود. از آنجایی که ارمنستان چنین اقدامی را انجام نداد، آذربایجان از ناظران روسیه و قزاقستان برای بازدید از منطقه و نظارت بر رعایت آتش‌بس دعوت کرد. در ۲۰ نوامبر ۱۹۹۱، بالگرد حامل هیئت متشکل از چهار تن از اعضای بلندپایه دولت آذربایجان (وزیر امور خارجه توفیق اسماعیل اف، معاون نخست‌وزیر ذوالفقو حاجی اف، وزیر امور داخله محمد اسدوف و دادستان کل عصمت

^۱ Zheleznovodsk Declaration

گایوف) مقامات انتظامی و امنیتی، دو ژنرال ارتش روسیه، ناظران قزاق و روسی (سانلال داسوموویچ سربیکوف، معاون وزیر امور داخله قزاقستان و سایر مقامات) و همچنین خبرنگاران برجسته از منطقه تحت کنترل ارامنه با شلیک گلوله سرنگون شدند. همه افراد حاضر در بالگرد جان خود را از دست دادند و در طرف آذربایجان این حمله اعتقاد به صداقت ارمنستان در مورد آتش‌بس را خدشه‌دار کرد (Aslanli, 2020).

اوضاع منطقه قره‌باغ از ابتدای ماه نوامبر ۱۹۹۱ میلادی رو به وخامت گذاشت. با قطع خطوط تلگراف و تلفن، محاصره قره‌باغ شدیدتر شد. هدف اصلی نیروهای آذری، دستیابی به شهر استپاناکرت بود که از طریق شوشی زیر آتش توپخانه ارمنیان قرار داشت. در این شرایط مطلوب تحت فشار جبهه خلق برای برگزاری انتخابات جدید بود. سرانجام پس از چند روز اعتصاب و تظاهرات گسترده، در اجلاس فوق‌العاده شورای عالی آذربایجان در ۲۶ نوامبر یک شورای ملی تشکیل شد که ۵۰ عضو داشت. همان روز بسیج عمومی اعلام شد و شورای عالی آذربایجان پس از ۶۹ سال با صدور فرمانی خودمختاری قره‌باغ کوهستانی را لغو کرد (بیات، ۱۳۷۲: ۹۰). در این شرایط تریپتوسیان و مطلوبوف راهی مسکو شدند که از جمله نتایج آن قول مطلوبوف بر اعاده خودمختاری بر منطقه قره‌باغ بود. اعلام این خبر با واکنش و مخالفت شدید گروه‌های سیاسی داخل آذربایجان مواجه شد و مذاکرات مسکو عملاً شکست خورد و درگیری‌ها به صورت قابل توجهی افزایش یافت. ارمنیان در جبهه‌های جنگ وضعیت بهتری داشتند. در ۲۸ نوامبر شهر شوشی مورد حمله نیروهای ارمنی قرار گرفت و متعاقب آن درگیری شدیدی میان نیروهای آذربایجانی و ارمنی در منطقه خوجالی در گرفت. در جبهه مارتونی که تحت کنترل نیروهای داشناکسوتیون بود، ارمنیان توانستند روستای خوجاوند را تصرف نمایند و متعاقب آن، نقاط مهم اطراف و نیز ارتفاعات آن شهر به تصرف نیروهای ارمنی درآمد. در این بین اعلام آمادگی ایران برای میانجی‌گری و سفر علی‌اکبر ولایتی به باکو در ۳ نوامبر ۱۹۹۱ میلادی و سفر رافی هووانیسیان به تهران در ۲۶ نوامبر نیز سودی نبخشید. در ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۱

می‌دادند تحریم نمودند، ۸۹/۹۹ درصد رأی‌دهندگان به استقلال قره‌باغ رأی مثبت دادند (زارع شاهرسی، ۱۳۸۷: ۴۰۳). در پی نشست فوریه ۱۹۹۲ وزیران امور خارجه سازمان امنیت و همکاری اروپا در شهر مینسک (پایتخت روسیه سفید یا بلاروس)، گروه معروف به گروه مینسک تأسیس شد. این گروه دارای یازده عضو (آمریکا، روسیه، فرانسه، ایتالیا، سوئد، روسیه سفید، جمهوری چک، ترکیه، آذربایجان و ارمنستان) است. گروه مینسک اولین جلسه خود را در ۳۱ ژوئیه ۱۹۹۲ در رم تشکیل داد ولی به دلیل عدم وجود توافق بین طرفین جنگ به نتیجه‌ای نرسید و معین شد که کشورهای عضو (به‌غیر از آذربایجان و ارمنستان) در جهت تلاش در جهت رسیدن به یک‌راه حل مسالمت‌آمیز و برقراری آتش‌بس به‌طور مداوم همدیگر را ملاقات نمایند.

حوادث جنگ قره‌باغ در سال ۱۹۹۲ میلادی

در ۶ ژانویه ۱۹۹۲ میلادی رهبران ارمنی قره‌باغ با استناد به نتایج همه‌پرسی استقلال قره‌باغ را اعلام کردند. در ۲۴ ژانویه نیز مجلس قره‌باغ، «گئورگی پطروسیان» را به‌عنوان کفیل ریاست جمهوری قره‌باغ انتخاب کرد. تحولات قره‌باغ در فوریه ۱۹۹۲ میلادی تحت تأثیر فاجعه خوجالی قرار گرفت، شهر که از سپتامبر ۱۹۹۱ میلادی در محاصره ارمنستان قرار داشت، با تشدید اوضاع و قطع خطوط ارتباطی به‌ویژه بین شوشی و خوجالی در وضعیت دشواری قرار گرفت. متعاقباً تصرف روستاهای اطراف شهر به دست نیروهای ارمنی زمینه حمله نیروهای ارمنی به منطقه خوجالی آغاز شد. در این بین به‌رغم درخواست‌های مکرر «ائلمان محمدوف» در مرکز فرماندهی نیروهای آذربایجان در قره‌باغ مبنی بر شکستن محاصره خوجالی «فهمین حاجی‌اف» (نماینده شاهین موسایف، رئیس قرارگاه مرکزی وزارت دفاع آذربایجان که برای رسیدن جبهه خلق تلاش می‌کرد) اجرای عملیات نظامی برای خارج کردن خوجالی از محاصره را ممنوع کرد. در نتیجه این

تحولات در ۲۵ فوریه نیروهای ارمنی وارد خوجالی شدند و در ۲۶ فوریه ۱۹۹۲ میلادی شهر خوجالی سقوط کرد. سقوط خوجالی که یکی از پایگاه‌های مهم نظامی آذربایجان بود، یکی از نقاط عطف مناقشه قره‌باغ به شمار می‌رود. دولت مطلوبوف در آستانه سقوط قرار گرفت و پس از چند روز تظاهرات در ۶ مارس ۱۹۹۲ میلادی استعفا داد و وظایف رئیس‌جمهور به صورت موقت به یک شورا واگذار شد. حملات شدید ارمنیان به شوشی و تهاجم گسترده نیروهای آذری به استپاناکرت افزایش یافت و حمله گسترده ارمنیان به مناطق شهرستان فضولی و شهرستان آقدام در ۲۴ آوریل ۱۹۹۲ میلادی آغاز شد. همچنین نخجوان نیز دوباره و به صورتی شدیدتر به صحنه جنگ کشیده شد (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

در ۲۵ فوریه ۱۹۹۲ م. وزیر امور خارجه ایران ضمن مسافرت به باکو به مقامات آذربایجان پیشنهاد وساطت نمود. با وساطت ایران مقامات آذربایجان و ارمنستان در ۱۵ مارس ۱۹۹۲ م. در تهران توافقنامه آتش‌بس را امضا کردند؛ ولی با وجود صدور بیانیه مشترک مبنی بر حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشه، جنگ در قره‌باغ با شدت بیشتری ادامه یافت و ارمنستان تمام منطقه قره‌باغ را به تصرف خود درآورد. پیروزی نظامی ارمنستان در قره‌باغ از یکسو و انتخاب ابوالفضل ایلچی بیگ به ریاست جمهوری آذربایجان سبب شد که ایران به نحوی در حل مناقشه کنار گذاشته شود (ذکی و پاشالو، ۱۳۹۶: ۱۴۵).

تصرف شوشی و حمله ارتش ارمنستان به لاجین موقعیت محمدا ف را در معرض خطر قرار داد و در ۱۴ می ۱۹۹۲ میلادی برکنار شد و به جای او ایاز مطلوبوف به ریاست جمهوری رسید؛ اما رویکردهای اقتدارگرایانه مطلوبوف در سرکوبی نیروهای مخالف موجب شد به فاصله اندکی در ۱۵ می ۱۹۹۲ میلادی از قدرت برکنار شود. در پی این تحولات جنگ قدرت در باکو بالا گرفت و در نهایت شورای عالی آذربایجان که تحت تسلط جبهه خلق بود کنترل کشور را در دست گرفت و در هنگام جنگ قدرت در باکو ارمنیان در ۱۷ می ۱۹۹۲ میلادی شهر لاجین را به تصرف درآوردند. در ۱۸ می ۱۹۹۲ میلادی ارمنیان به شهرستان سدرک، نخجوان حمله کردند این اقدام باعث واکنش ایران و ترکیه و اروپا

شد تا جایی که تورگوت اوزال خواستار مداخله نظامی شد و در مقابل «مارشال شاپوشینکوف» فرمانده روسی جامعه کشور مستقل المنافع تهدید کرد که اگر ترکیه به نخجوان نیروی نظامی اعزام کند جنگ جهانی سوم رخ خواهد داد (زارع شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۴۳۲). در سال ۱۹۹۰ درگیری‌ها به اوج خود رسید. در سال ۱۹۹۱، هم‌زمان با استقلال کشورهای حوزه قفقاز، با وجود دعوت روسیه از دو کشور به مسکو برای مذاکره، اگرچه میانجیگری‌ها مفید واقع نشد، ولی موجبات کاهش نسبی درگیری‌ها را فراهم کرد. با آغاز سال ۱۹۹۲ و به دنبال مناقشات داخلی آذربایجان و جهت‌گیری باکو به سوی غرب، آرامنه با کمک روس‌ها مناطقی مانند «شهرک کلباجر، مراد کورت و اقدم» را تصرف کردند و نزدیک به ۱۶ درصد از خاک جمهوری آذربایجان را اشغال نمودند. در مناقشه قره‌باغ، برتری نظامی بین طرفین در نوسان بود، به گونه‌ای که ابتدا در سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ نیروهای آذربایجان قره‌باغ را محاصره نمودند و تقریباً نیمی از آن را در تابستان ۱۹۹۲ تصرف کردند؛ اما نیروهای ارمنی در زمستان همان سال توانستند بخش‌های «خوجالی، شوشا و دالان لاجین» را تصرف کنند و در سال ۱۹۹۳ نیروهای آذربایجان را از قره‌باغ به عقب برانند و بخش اعظم منطقه قره‌باغ به انضمام بخشی از خاک آذربایجان را تصرف کنند. نیروهای ارمنی برتری خود را تا پیش از برقراری آتش‌بس در ماه مه ۱۹۹۴ حفظ کردند (پریزاد و میر حسینی، ۱۴۰۰: ۹). در ۲۶ اوت ۱۹۹۲، نور سلطان نظربایف، رئیس‌جمهور قزاقستان، ابتکار آتش‌بس جدیدی را آغاز کرد. در ۲۷ اوت ۱۹۹۲، ماریو رافائلی^۱، رئیس گروه مینسک، از آذربایجان و ارمنستان بازدید کرد و خواستار آغاز مذاکرات کنفرانس مینسک شد. در ۲۷ اوت ۱۹۹۲ اعلامیه آلتا^۲ توسط روسای جمهور ارمنستان، آذربایجان و قزاقستان امضا شد. در پی درخواست گروه مینسک، طرفین در منطقه ایجوان ارمنستان نیز پروتکلی را برای اجرای این سند امضا کردند. باین‌حال،

^۱ Mario Rafaelli

^۲ Alma-Ata

ارمنستان به زودی خروج خود از اعلامیه آلمان را اعلام کرد و تلاش های قزاقستان برای متقاعد کردن طرف ارمنی با شکست مواجه شد (Aslanli, 2020).

حوادث جنگ قره باغ در سال ۱۹۹۳ میلادی

در ۳ می ۱۹۹۳، تحت رهبری رئیس جمهور فقید روسیه، بی. یلتسین، روسیه، ترکیه و ایالات متحده شروع به ابتکار صلح را در چارچوب روند کمیسیون امنیت و همکاری در اروپا اعلام کردند. آن‌ها طرحی را پیشنهاد کردند که خروج نیروهای ارمنی از کلباجار تا ۱۴ مه ۱۹۹۳ و آغاز مذاکرات صلح تحت نظارت شورای امنیت را از ۱۷ می ۱۹۹۳ پیش‌بینی می‌کرد. آذربایجان این طرح را پذیرفت، اما ارمنستان نپذیرفت. ژوئن ۱۹۹۳ در رم ملاقات کردند. آن‌ها برنامه اقدام اضطراری^۱ را برای اجرای امنیت سازمان ملل به تصویب رساندند. قطعنامه ۸۲۲ شورا و ادامه مذاکرات صلح زیر نظر شورای امنیت و همکاری اروپا و آن را به طرفین پیشنهاد کرد. آذربایجان این طرح را پذیرفت و امضا کرد. اگرچه ارمنستان در ابتدا اعلام کرد که این طرح را می‌پذیرد، اما بعداً با سوءاستفاده از نابسامانی داخلی (تلاش برای کودتای نظامی) در آذربایجان، حملات خود را به خاک آذربایجان تشدید کرد. در نتیجه این حملات، ارمنستان منطقه آغدره آذربایجان را در ۲۶ تا ۲۸ ژوئن ۱۹۹۳ و بخش عمده‌ای از منطقه آغدام آذربایجان را در ۲۳ تا ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۳ اشغال کرد. توافق دیگری در مورد آتش‌بس با میانجیگری روسیه در ۱۸ اوت ۱۹۹۳ حاصل شد، اما این روند همچنین منجر به اشغال سرزمین‌های آذربایجان - مناطق فضولی و جبرائیل آذربایجان - در ۲۳ اوت ۱۹۹۳ شد (Aslanli, 2020).

آغاز سال ۱۹۹۳ میلادی با حمله گسترده ارتش ارمنستان آغاز شد، تقویت نیروی هوایی قره‌باغ توسط لابی (جماعت ارمنیان پراکنده) ارمنیان آمریکا و فرانسه و دریافت چند فروند میزاج و فانتوم موفق شدند روستاهای اطراف مارتاکرت را از نیروهای آذری باز پس بگیرند در این شرایط ایلچی بیگک، دو مقام ارشد دفاعی یعنی رحیم قاضی اف وزیر دفاع و

¹ Emergency Action Plan

صورت حسین اف فرمانده نیروهای آذربایجان در قره‌باغ را برکنار کند. در این بین پیشروی نیروهای ارمنی ادامه یافت و طی پنج روز روستاهای اطراف شهرستان کلبجر به تصرف درآوردند و در ۳ آوریل ۱۹۹۳ آن شهر سقوط کرد. این تحولات موجب شد تا ارتش ترکیه به حالت آماده‌باش درآید و تورگوت اوزال با اعزام ارتش چهاردهم به مرز ارمنستان راه ارتباطی خود را با ارمنستان بست. اوزال اظهار داشت که: «دخالت در جنگ قره‌باغ می‌تواند نمونه‌ای از جسارت ما باشد، باید از مداخله ارمنستان ترسید و ترکیه باید آماده باشد» (زارع شاهمرسی: ۴۶۵) در ۱۳ آوریل تورگوت اوزال با تبلیغات رسانه‌ای فراوان راهی باکو شد اما در پایان سفر خود اظهار داشت: «ترکیه نمی‌تواند به نام ملت آذربایجان وارد جنگ شود. اگر آذربایجان در صدد مطرح شدن به عنوان یک کشور بزرگ است، باید خود وظیفه کشورش را بر عهده گیرد» (تویسرکانی، ۱۳۸۹) در این شرایط منجر به صدور قطعنامه ۸۲۲ شد و طرح صلح سه جانبه‌ای از طرف آمریکا، ترکیه و روسیه مطرح شد و از اول ژوئن نیز آتش‌بس ۶۰ روزه برای ایجاد زمینه برای اجرای قطعنامه ۸۲۲ شورای امنیت و تسهیل در امضاء طرح برقرار شد ولی این طرح به دلایل مخالفت شدید احزاب مخالف در ارمنستان و فرار ایلچی بیگ از آذربایجان و به قدرت رسیدن حیدر علی‌اف در عمل شکست خورد.

حمله نیروهای ارمنی تشدید شد که مهم‌ترین نتیجه آن تصرف شهرستان آق‌دام در ۲۷ ژوئن ۱۹۹۳ میلادی بود آن شهر مرکز فرماندهی نیروهای آذربایجانی بود و از آنجا شهر استپاناکرت را مورد گلوله‌باران قرار می‌دادند. در ۲۲ ژوئیه نیروهای ارمنی با محاصره شهرستان فضولی (واراندا) ارتباط جاده‌ای میان فضولی و شهرستان جبرائیل را قطع کردند. در ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۳ میلادی شورای امنیت سازمان ملل علی‌رغم صدور قطعنامه ۸۵۳ و برگزاری دور چهارم مذاکرات صلح قره‌باغ در رم درگیری‌ها ادامه یافت و در ۱۳ اوت ۱۹۹۳ میلادی، نیروهای ارمنی با انجام یک عملیات گسترده به سوی شهرستان بردع پیشروی کردند. در جنوب قره‌باغ نیز حملات نیروهای ارمنی موجب شد شهر مهم

فضولی در ۱۷ اوت و متعاقب آن شهر جیراییل در ۱۹ اوت به تصرف ارتش ارمنستان درآمد. سرژ سارگسیان در ۲۱ اوت به وزارت دفاع ارمنستان منصوب شد و نیروهای ارمنی قصد داشتند بر جاده شهرستان قبادلی (کاشونیک) به شهرستان زنگلان (گوساکان) مسلط شوند که با واکنش ایران مواجه شد و این اقدام موجب شد تا اندکی از شدت عملیات جنگی ارمنیان کاسته شود. ایران پیشنهاد نمود که یک نوار امنیتی در جمهوری آذربایجان به عمق ۲۰ کیلومتر برای ایجاد اردوگاه تأسیس شود که با مخالفت شدید ترکیه و آمریکا مواجه شد (زارع شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۴۸۲). در چنین شرایطی حیدرعلی اف، ژنرال سابق شوروی به نام «محمد رفیع محمداف» به سمت وزیر دفاع و کمونیست قدیمی «حسن حسن اف» به وزارت خارجه، انتصاب کرد و با رأی مثبت مجلس مذاکره مستقیم با ارمنیان قره‌باغ و ملاقات علی اف با یلتسین در مسکو و عضویت رسمی آذربایجان در جامعه کشورهای مستقل همسود از اقدامات مهم او بود.

مذاکرات سانفرانسیسکو و اجلاس غیررسمی گروه مینسک در اوایل اکتبر ۱۹۹۳ میلادی آغاز شد، هرچند طرح صلح گروه مینسک مورد پذیرش ارمنستان و قره‌باغ قرار گرفت، اما آذربایجان با هشت بند این طرح مخالفت نمود. به این منظور شورای امنیت سازمان ملل متحد، قطعنامه ۸۷۴ را به تصویب رساند. در واکنش به قطعنامه، حیدر علی اف محاصره اقتصادی و باز کردن خطوط ارمنستان را بدون حل قطعی مسئله قره‌باغ و عقب‌نشینی ارمنستان از این منطقه یک اشتباه بزرگ دانست و قطعنامه شورای امنیت را ناعادلانه خواند. در مقابل مقامات قره‌باغ قطعنامه ۸۷۴ را به دلیل درج کلمه «قره‌باغ کوهستانی آذربایجان» غیرقابل قبول خواندند. با شکست تلاش‌های بین‌المللی و عدم دستیابی به راه‌حلی صلح‌آمیز روند درگیری‌ها ادامه یافت و نیروهای ارمنی مناطق جنوبی قره‌باغ (۷۰ کیلومتر از مناطق هم‌مرز با ایران) را تصرف کردند و شهر مهم زنگلان نیز در ۱۷ اکتبر ۱۹۹۳ میلادی به تصرف نیروهای ارمنی درآمد. حیدر علی اف دستور تشکیل شورای دفاع را صادر کرد و کوشش نمود از تبلیغات مذهبی در جهت تبدیل جنگ قره‌باغ به رویارویی مسلمانان با

مسیحیان استفاده نماید.^۱ در این شرایط شورای امنیت سازمان ملل در ۱۱ نوامبر ۱۹۹۳ میلادی چهارمین قطعنامه خود را درباره ۶ بحران قره‌باغ با عنوان قطعنامه ۸۸۴ صادر کرد. حمله بزرگ نیروهای آذربایجان در ۲۸ دسامبر ۱۹۹۳ میلادی آغاز شد که طی آن، نیروهای ارمنی از بلندی‌های استراتژیک شهر آقدام عقب‌نشینی کردند. در ۸ نوامبر ۱۹۹۳ نیز در آخر یک ملاقات معمولی گروه مینسک در وین (اتریش) نقشه صلح جدیدی جلوروی طرفین درگیر قرار داده شد و بعضی از خواسته‌های آذربایجان در این طرح صلح آمده بود به ویژه عقب‌نشینی ارتش ارمنستان از مناطق اشغالی، احترام به تمامیت ارضی آذربایجان و ایجاد شرایطی که آوارگان قادر به بازگشت به وطنشان باشند رئیس جدید گروه مینسک نیز جان الیاسون سوئدی تلاش‌های بیشتری برای مشورت با روسیه و پیشنهاد صلح انجام داد.

مناقشه آذربایجان با ارمنستان بر سر منطقه قره‌باغ به علت عدم برخورداری آذربایجان از یک ارتش مدرن و قدرتمند و نبود حامی‌های قدرتمند سبب گردید تا دولت آذربایجان در مقابل طرف مناقشه در وضعیت ضعیف‌تری قرار گیرد. از این‌رو آذربایجان از سال ۱۹۹۳ سعی و تلاش زیادی برای به دست آوردن متحدان قدرتمند غربی انجام داد تا در مناقشه قره‌باغ از اهمیت وزنه مشترک مسیحی بودن ارمنستان و غرب بکاهد... . از مصادیق آن انعقاد قرارداد نظامی - امنیتی اسرائیل و ترکیه در سال ۱۹۹۶ است که اسرائیلی‌ها طی آن اجازه مانور در ترکیه را پیدا کردند و سالانه مانور عقاب آناتولی را انجام دادند، جمهوری آذربایجان نیز خواستار عضو ناظر فعالیت‌ها و مانور نظامی این دو رژیم شد. یکی دیگر از ابعاد حضور نظامی اسرائیل در منطقه قفقاز، همکاری ترکیه، اسرائیل و جمهوری آذربایجان است که در سال ۲۰۰۲ با انعقاد پیمان ترابوزان شدت گرفت، که هدف آن گسترش اتحاد نظامی ترکیه و اسرائیل و جمهوری آذربایجان است. در سال ۲۰۰۹

^۱حیدر علی‌اف در ۱۰ نوامبر ۱۹۹۳ میلادی در دیدار با روحانیون و دین‌داران این جمهوری اظهار داشت: اسلام عالی‌ترین دین جهان بوده و در صورت تمسک مردم آذربایجان به آن، پیروزی بر نیروهای ارمنی میسر خواهد کرد.

همکاری‌ها شامل طیف گسترده‌ای از اقدامات یعنی خرید تجهیزات نظامی، خدمات آموزشی، تولید تحت لیسانس و برنامه‌های ارتقا و به‌روزرسانی تجهیزات بود. آذربایجان در سال ۲۰۱۱ بزرگ‌ترین قرارداد نظامی خود با اسرائیل را منعقد کرد. این قرارداد شامل موشک‌های ضد کشتی گابریل^۱، موشک‌های ضدتانک-ضدسنگر اسپایک^۲، سیستم دفاع هوایی باراک^۳، رادارهای پیش‌اخطار و کاوش هوایی گرین پین^۴ و ارتقای تانک‌های آذربایجان (مدل‌های تی ۷۲ و احتمالاً تی ۶۲) و تجهیزات الکترونیکی و حفاظتی اسرائیلی بود. در سال ۲۰۱۳ شروع به ساخت کشتی جنگی ملی کرد که در اجرای این پروژه نیز اسرائیل نقشی اساسی داشت (اکبری و غنی زاده، ۱۳۹۹: ۱۶۰-۱۵۹).

حوادث جنگ قره‌باغ در سال ۱۹۹۴ میلادی

نخستین روزهای سال ۱۹۹۴ میلادی با تنش و درگیری بسیار شدیدی در صحنه جنگ قره‌باغ همراه بود. در ۲ ژانویه حمله نیروهای ارمنی در شهرستان کلبجر (کارواجار) به شکست انجامید و حمله وسیع نیروهای ارمنی به شهرستان ترتر در ۲۲ ژانویه به شکست انجامید و ارمنیان وادار به عقب‌نشینی شدند. در ۲۴ ژانویه نیز منطقه کلبجر از کنترل نیروهای ارمنی خارج شد و آذربایجانی‌ها منطقه مارتاکرت را به محاصره خود درآوردند. در این شرایط روسیه طرح صلحی را مطرح نمود که علی‌رغم موافقت ارمنستان و قره‌باغ با این طرح، دولت آذربایجان با آن مخالفت نمود. در ۱۸ فوریه با میانجی‌گری پاول گراچف وزیر دفاع روسیه مقامات قره‌باغ و وزرای دفاع ارمنستان و آذربایجان به یک‌رشته توافقات اصولی دست یافتند؛ اما آتش‌بسی که قرار بود به این توافقات از اول مارس ۱۹۹۴ میلادی آغاز شود، با بروز اختلاف میان طرفین از جمله تأکید علی‌اف بر خروج کامل نیروهای ارمنی موجب شد نیروهای ارتش آذربایجان حمله گسترده‌ای را در

¹ Gabriel

² Spike

³ Barak

⁴ Green Pine

منطقه فضولی در ۳ مارس آغاز کنند. در این بین تحولاتی چون حمله شدید نیروهای ارمنی به اقدام در ۱۰ آوریل و تغییر اوضاع به سمت ارمنی‌ها موجب شد تا لحن مقامات آذری نسبت به روسیه تغییر پیدا کند. علی‌اف در ۲۵ آوریل راهی مسکو شد و متعاقب آن هیئتی به رهبری رسول قلی‌اف، رئیس مجلس آذربایجان به مسکو سفر نمود که مأموریت اصلی آن (مذاکره در مورد مناقشه نظامی و تدابیر برای پایان دادن به آن) اعلام شد. سفر هیئت آذربایجانی موجب صدور سند توافقنامه مسکو شد. هر چند مفاد این سند به اجرا در نیامد اما زمینه مناسب و لازم را برای نزدیک‌تر شدن دیدگاه‌های آذربایجان و ارمنستان فراهم نمود که نقش مهمی در روند مذاکرات صلح قره‌باغ در بیشکک در ۴ می ۱۹۹۴ میلادی ایفا نمود. در مذاکرات بیشکک روس‌ها خواستار رعایت سه اصل بودند: «برقراری آتش‌بس، قبول نمایندگان قره‌باغ به‌عنوان یک‌طرف اصلی مذاکرات صلح و استقرار ۱۸۰۰ نفر از نیروهای جامعه مشترک‌المنافع در خط حائل آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروهای نظامی از هر دو طرف و گشوده شدن راه‌های انرژی و حمل‌ونقل» ولی هیئت آذربایجانی از پذیرش آن سرباز زد و در حالی که طرح در آستانه شکست قرار داشت تغییرات مختصری در اعلامیه نهایی مذاکرات داده شد. بدین نحو که به پایان دادن تصرف مناطق جمهوری آذربایجان تأکید شد و همچنین استقرار نیروهای ناظر بین‌المللی در کنار نیروهای جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در خط حائل پیش‌بینی گردید. سرانجام رسول قلی‌اف توافقنامه بیشکک را در ۸ می ۱۹۹۴ میلادی امضاء نمود (زارع شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۵۰۹). این جنگ با برتری نسبی ارمنستان به پایان رسید. اگرچه آتش‌بس به‌طور محدود مورد خدشه قرار گرفت اما طرفین با تلاش فراوان آن را حفظ کردند و بدین ترتیب بدون دستیابی به راه‌حل قطعی، وضعیت نه جنگ و نه صلح میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در منطقه قره‌باغ حاکم است.

هیئت سازمان امنیت و همکاری اروپا از ۲۶ آوریل تا ۲ می ۱۹۹۴ از منطقه بازدید کرد. در جریان نشست شورای بین‌المجالس که در بیشکک در ۴ تا ۵ مه ۱۹۹۴ برگزار شد، نمایندگان مجلس قرقیزستان و وزارت امور خارجه روسیه نشستی را بین روسای مجلس ترتیب دادند. ارمنستان و آذربایجان در نتیجه همه این جلسات تشدید شده، پروتکل بیشکک امضا شد. بر اساس این پروتکل، وزرای دفاع ارمنستان و آذربایجان توافقنامه آتش‌بس منعقد کردند و رژیم آتش‌بس از ۱۲ می ۱۹۹۴ شروع به اجرا کرد (Aslanli, 2020).

در سپتامبر ۱۹۹۴ کشورهای عضو گروه مینسک در تشویق برای پایان دادن به مخاصمه نظامی شروع به بررسی امکان سازمان‌دهی یک نیروی حافظ صلح در چارچوب بند ۳ اسناد هلسینکی کردند و زمانی که دستور شروع به کار نیروهای حافظ صلح از طرف سازمان امنیت و همکاری اروپا صادر شد طرفین درگیر به هیچ توافقی در این باره نرسیده بودند. در سال ۱۹۹۶ با برگزاری نشست گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا در لیسبون، رئیس گروه اظهاراتی در جهت طرح صلح پیشنهادی ارائه نمود که همه کشورهای عضو به‌غیر از ارمنستان موافق بودند و اساس این طرح صلح را سه قاعده زیر: احترام به تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و ارمنستان، تعریف موقعیت قانونی بررسی قره‌باغ کوهستانی در یک توافق بر اساس حق تعیین سرنوشت و اعطای عالی‌ترین درجه خودگردانی در چارچوب آذربایجان و تضمین امنیت ساکنین قره‌باغ، تشکیل داده بود ولی نهایتاً موارد فوق که مورد توافق قرار گرفته بود در عمل محقق نشد. در سال ۱۹۹۷ رئیس گروه مینسک ابتکار صلحی را طراحی کرده بود از دو مرحله غیرنظامی شدن برخورد نیروهای طرفین و بازگشت آوارگان به سرزمین خود (مرحله اول) تعیین وضعیت ناگورنو قره‌باغ بر اساس احترام به تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و اعطای خودمختاری به ساکنین قره‌باغ (مرحله دوم) تشکیل یافته بود. در این طرح نیز پس از مذاکرات طولانی با مخالفت شدید ارامنه افراطی روبرو شده و نتوانست در عمل محقق گردد و نهایتاً موجب استعفای

ترپتروسیان از ریاست جمهوری ارمنستان گردید. در سال ۱۹۹۸ گروه مینسک پیشنهاد کرد که به قره‌باغ وضعیت مشترکی داده شود بدان معنی که مابقی خاک آذربایجان و قره‌باغ در یک کنفدراسیون مشترکی با یکدیگر باشند اما در حقیقت دو واحد سیاسی مجزا از همدیگر تلقی خواهند شد. ارمنستان این پیشنهاد را پذیرفت ولی آذربایجان این پیشنهاد را به دلیل آنکه مانع اعاده تمامیت ارضی آن بوده و به حالت فعلی قره‌باغ مشروعیت می‌بخشید رد کرد این بدان معنا بود که قره‌باغ در تمام امور خود دارای خودمختاری کامل است و در همان حال از طریق لاجین با ارمنستان در تماس است. در سال ۱۹۹۹ طرح دیگری نیز با عنوان طرح گوبل (سیاستمدار آمریکایی) یعنی مبادله ارضی میان آذربایجان و ارمنستان در مبادله منطقه قره‌باغ با نقشی از منطقه زنگه زور ارمنستان، با توجه به توافقات ضمنی روسای جمهور آذربایجان و ارمنستان در حمایت‌های سلیمان دمیرل رئیس‌جمهور وقت ترکیه و بیل کلینتون رئیس‌جمهور وقت آمریکا از طرف گروه مینسک به شدت مطرح شد ولی به علت اقدام تروریستی ۲۷ اکتبر ۱۹۹۹ در مجلس ارمنستان و فشار افکار عمومی آذربایجان اجرا نشد (یوسفی، ۱۳۹۱: ۱۱۳-۱۰۹).

جنگ چهارروزه سال ۲۰۱۶ میلادی

درگیری در قره‌باغ برای اولین بار در روزهای رو به پایان اتحاد جماهیر شوروی شعله‌ور شد. حدود ۳۰۰۰۰ نفر در طی سه سال جنگ بین سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۴ کشته و یک میلیون آواره شدند و روسیه قبل از درگیری اخیر از ارمنستان حمایت علنی می‌کرد. در مرحله اول جنگ، بین سال ۱۹۸۸ و آتش‌بس امضا شده در سال ۱۹۹۴، داوطلبان از ارتش روسیه شوروی در طرف ارمنستان جنگیدند و روسیه بسیار بیشتر از آذربایجان، ارمنستان را مسلح کرد. ارمنستان از زمان تعلیق تئوری/نسبی خصومت‌ها در سال ۱۹۹۴، به لطف حمایت روسیه، نه تنها منطقه موردنظر بلکه هفت منطقه آذربایجان را نیز کنترل کرد و منجر به جداسازی قره‌باغ و ایجاد تداوم ارضی با ارمنستان شد و تعداد بیشتری از آذری‌ها از خانه‌های خود در ارمنستان، قره‌باغ و مناطق اشغالی فرار کردند؛ اما جنگ دوباره در آوریل

۲۰۱۶ آغاز شد که منجر به کشته شدن بیش از ۲۰۰ نفر شد و آذربایجان مقدار کمی از خاک خود را باز پس گرفت و پیامی سخت ارسال کرد مبنی بر اینکه برای بازپس گیری مصمم است. در جنگ روسیه موضع بی طرف خود را حفظ کرد و به نظر برخی این امر به منظور بازار سلاح بوده است به طوری که روسیه مقادیر زیادی تسلیحات پیشرفته را با تخفیف به ارمنستان می فروشد (زارع وزرگر، ۱۴۰۰:۱۴۲-۱۴۱). در این مناقشه که به مدت چهار روز رخ داد نیروهای نظامی جمهوری آذربایجان و ارمنه جدایی طلب قره باغ کوهستانی بامداد روز شنبه ۷ اسفند (۲۵ فوریه)، در مرزهای شرقی این منطقه در اطراف فضولی و خوجاوند با یکدیگر درگیر شده اند. نقض مرتب رژیم آتش بس در چند ماه اخیر و بعد از درگیری نظامی آوریل سال ۲۰۱۶ در منطقه، حاکی از آتش بس ناپایدار میان طرفین است، به طوری که لامبرتو زانیری دبیر کل سازمان امنیت و همکاری اروپا که مدیریت روند صلح در قره باغ به عهده این سازمان است، در سخنانی در جلسه مجمع مجلسی این سازمان از اوضاع جاری در منطقه مورد مناقشه قره باغ ابراز نگرانی کرد و خواستار یک تحرک جدی سیاسی در حل این بحران نظامی - امنیتی شد.

جنگ قره باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی

در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰، جنگ بین ارمنستان و آذربایجان برای منطقه ناگورنو - قره باغ و مناطق اطراف آن آغاز شد که از زمان پایان خصومت ها در سال ۱۹۹۴ تحت اشغال ارمنه قرار داشت. طی یک جنگ شش هفته ای، آذربایجان در حد قابل توجهی پیروزی بیشتری نسبت به ارمنستان و نیروهای جمهوری خودمختار قره باغ، که تحت حمایت ارمنستان بود، به دست آورد. هر دو ارتش ریشه در نیروهای نظامی اتحاد جماهیر شوروی دارند اما آذربایجان قادر به استقرار تجهیزات پیشرفته روسی و سلاح های جدید ترکیه ای و اسرائیلی بود. نیروهای ارمنی و قره باغ به طور کلی تجهیزات قدیمی تری نسبت به ارتش آذربایجان داشتند. نقطه اوج این جنگ روز ۸ نوامبر ۲۰۲۰ بود که نیروهای آذربایجان توانستند شهر تاریخی و استراتژیک سوشا در ده کیلومتری پایتخت قره باغ یعنی

شهر استپاناکرت را تصرف کنند. در ۹ نوامبر، نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان در بیانیه‌ای مشترک با الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان و ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، آتش‌بس را پذیرفت. ترکیه که یکی از حامیان اصلی جمهوری آذربایجان بود، جزء امضاکنندگان نبود اما از این موافقت‌نامه استقبال کرد. این توافق‌نامه از ۱۰ نوامبر قابل اجرا بود.

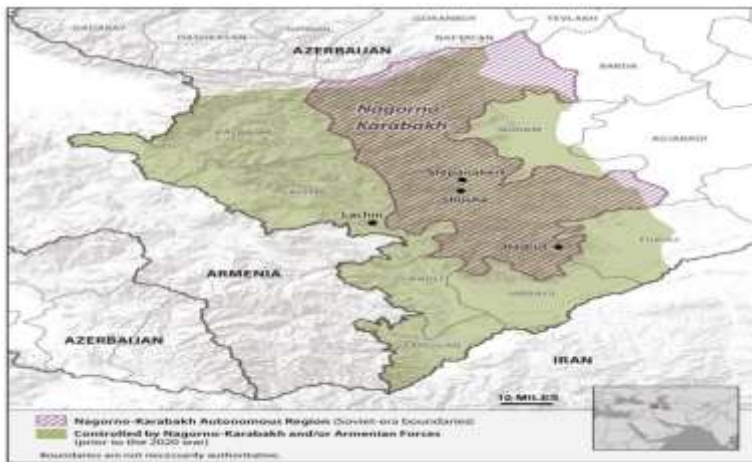
با امضای موافقت‌نامه ۹ نوامبر آذربایجان بخشی از ناگورنو قره‌باغ از جمله شوشا را در اختیار خود درآورد. آذربایجان همچنین ارمنستان را وادار به ترک مناطق مجاور آذربایجان کرد که در دهه ۱۹۹۰ اشغال کرده بود. از میان مناطق اشغال‌شده در خارج از ناگورنو قره‌باغ تنها کریدور لاجین که قره‌باغ را به ارمنستان پیوند می‌دهد در دستان ارمنستان باقی ماند. این توافق همچنین تصریح کرد که نیروهای مسلح روسیه به‌عنوان حافظ صلح در امتداد خط تماس جدید در ناگورنو قره‌باغ و در کریدور لاجین مستقر می‌شوند. بر اساس این قرارداد ۹۰ نفر زرهی، ۳۸۰ خودرو و تجهیزات ویژه به مدت پنج سال مستقر خواهند شد، اما این مدت می‌تواند برای دوره‌های پنج‌ساله اضافی با رضایت امضاکنندگان تمدید شود. در رویدادی جداگانه یک کریدور ارضی از طریق ارمنستان برای اتصال منطقه نخجوان با خاک آذربایجان ایجاد خواهد شد. این کریدور توسط نگهبانان مرزی سرویس امنیت فدرال روسیه حفاظت خواهد شد (Hedenskog et al, 2020: 1). بیانیه ۹ نوامبر ۲۰۲۰ وضعیت ناگورنو - قره‌باغ را بررسی نمی‌کند و یک مسیر برای حل و فصل نهایی مناقشه ایجاد نمی‌کند. از سال ۱۹۹۵، بیشتر تلاش‌ها برای حل این مناقشه توسط گروه مینسک که توسط سازمان امنیت و همکاری اروپا و به ریاست روسیه، فرانسه و ایالات متحده تأسیس شده است، متمرکز بوده است. در سال ۲۰۰۷ گروه مینسک با انتشار شش اصل اساسی موسوم به اصول مادرید (آخرین تغییر در سال ۲۰۰۹)، با اکراه توسط هر دو طرف پذیرفته شد:

۱. بازگشت سرزمین‌هایی که تحت کنترل آذربایجان قرار دارند؛

۲. یک وضعیت موقت برای قره‌باغ برای ایجاد تضمینی برای امنیت و خودمختاری؛
۳. راهرویی که ارمنستان را به ناگورنو - قره‌باغ متصل می‌کرد؛
۴. تعیین وضعیت نهایی وضعیت قانونی ناگورنو - قره‌باغ از طریق یک حالت الزام‌آور قانونی

۵. حق همه آوارگان داخلی و پناهندگان برای بازگشت به محل سکونت سابق خود؛
 ۶. تضمین امنیت بین‌المللی که شامل عملیات حفظ صلح می‌شود.
- اصول یک، سه و شش در حال حاضر به‌عنوان نتیجه‌ای از مناقشه و قرارداد آتش‌بس به اجرا درآمده است. اصول دو و چهار در بیانیه ۹ نوامبر منعکس نشده است و از پرداختن به موضوع اصلی مناقشه خودداری شده است. وضعیت قانونی و سیاسی ناگورنو - قره‌باغ به‌جای حل شدن درگیری در یک‌شکل جدید «صلح فریز شده»^۱ درآمده است که اگر دوباره درگیری شکل بگیرد، با پیچیدگی‌های جدیدی ژئوپلیتیک منطقه را تحت تأثیر قرار خواهد داد (Hedenskog et al, 2020: 1).

نقشه منطقه مورد مناقشه قره‌باغ



منبع: (Welt and Bowen, 2021: 10)

¹ frozen conflict

جمع‌بندی

در دوران حیات حکومت اتحاد جماهیر شوروی، نزاع جمهوری ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر منطقه قره‌باغ از حد اعتراضات گاه‌وبیگاه طرفین فراتر نرفت و این به خاطر، فضا برای طرح خواسته‌های اقتدار آه‌نین مسکو در آن دوران بود. با انجام اصلاحات گورباچف قدیمی درباره قره‌باغ آغاز شد. از ابتدای سال ۱۹۸۸ به تدریج اختلاف بین ارمنه و آذری‌ها در جنوب قفقاز آشکار شد. مجلس قره‌باغ در ۱۲ ژوئن ۱۹۸۸ به جدایی کامل قره‌باغ از جمهوری آذربایجان و پیوستن آن به ارمنستان رأی داد. در اصل درگیری بین دو کشور قفقاز جنوبی در سال ۱۹۸۸ هنگامی آغاز شد که ارمنستان ادعاهای سرزمینی خود علیه جمهوری آذربایجان را مطرح کرد. از آغاز سال ۱۹۸۸، درگیری بین کشورهای آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه مورد مناقشه قره‌باغ ادامه دارد. این درگیری منجر به قربانی شدن و آوارگی میلیون‌ها انسان شد. بیش از چهارده درصد از خاک آذربایجان اشغال شده است و مناطقی که از نظر قومی در جریان جنگ با نیروهای ارمنی از نظر نژادی متفاوت بودند پاک‌سازی شدند. این درگیری به‌عنوان یک تعارض منطقه‌ای در نظر گرفته می‌شود. تلاش‌های جامعه بین‌الملل برای پایان دادن به این مناقشه بی‌نتیجه و مبهم بوده است. مناقشه قره‌باغ دارای یک بعد درون دولتی است که در آن جمعیت ارمنی قره‌باغ برای استقلال مبارزه می‌کنند. با این حال، از ابتدای سال ۱۹۹۲ این درگیری یک بعد منطقه‌ای پیدا کرده است که دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان با یکدیگر وارد جنگ شده‌اند. در مناقشه قره‌باغ دو دولت جمهوری آذربایجان و ارمنستان به‌عنوان دو کشور مستقل و یک دولت شناخته‌نشده با عنوان جمهوری قره‌باغ با یکدیگر درگیر هستند. وجود این سه عامل و همچنین دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی راه برون‌رفت از مشکل را سخت‌تر کرده است. این درگیری به یکی از اختلافات مهم در عرصه بین‌الملل تبدیل شده است. بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جنگ‌های قومی و مذهبی خونینی در منطقه قفقاز و علی‌الخصوص قره‌باغ به

وقوع پیوسته است. مهم ترین درگیری از سال ۱۹۸۸ میلادی شروع و تا سال ۱۹۹۴ با پیروزی ارمنستان به پایان رسید. بعد از آن منطقه به حالت نه جنگ و نه صلح درآمد و هر آن امکان درگیری در این منطقه وجود داشت. در سال ۲۰۱۶ آتش جنگ دوباره شعله ور شد که چند روز بیشتر طول نکشید. در تاریخ ۹ نوامبر ۲۰۲۰ جنگ درگیری رخ داد که این جنگ با پیروزی آذربایجان به پایان رسید. با این حال باید گفت این جنگ به پایان نرسیده است چرا که هنوز سرنوشت بخشی از اراضی مشخص نشده است و محل اختلاف خواهد بود.

منابع

ارفعی، عالیہ (۱۳۷۱)، قضیه ناگارنو قره‌باغ، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره دوم

آقا حسینی، علیرضا؛ علی حسینی، علی؛ مهدیان، حسین (۱۳۹۶)، تحلیل ساست خارجی ستیزه‌جویانه عربستان سعودی مقابل ج.ا.ایران در چارچوب نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، نشریه راهبرد دفاعی، بهار ۱۳۹۶، شماره ۵۷، صص ۲۱۱-۱۷۱

اکبری، حسین؛ غنی زاده، پیمان (۱۳۹۹)، روابط اسرائیل و آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال دوم، شماره ۳، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۶۸-۱۴۲

بیات، کاوه (۱۳۷۲) بحران قره‌باغ. تهران: انتشارات پروین

پریزاد، رضا؛ میر حسینی، محمد (۱۴۰۰)، بحران قره‌باغ و پیامدهای آن بر جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دانش‌نامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۵، زمستان ۱۴۰۰، صص ۳۰-۱

ذکی، پاشا؛ پاشالو، احمد (۱۳۹۶)، عملکرد میانجی‌گری جمهوری اسلامی ایران در بحران ژئوپلیتیک قره‌باغ، نشریه جغرافیا، تابستان ۱۳۹۶، شماره ۵۳، صص ۱۵۰-۱۳۳

زارع، علی؛ زرگر، افشین (۱۴۰۰)، سیاست تطبیقی روسیه در بحران قره‌باغ و اوکراین، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال سوم، شماره ۱۰، زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۵۴-۱۳۰

محمدی، سبحان؛ عسگرخانی، ابو محمد؛ مکرمی پور، محمدباقر؛ ویسی، صالح (۱۴۰۰)، تحلیل اقدام نظامی جمهوری آذربایجان در قبال مسئله نوگورنو قره‌باغ و جمهوری آرتساخ و همچنین بررسی اجمالی مواضع جمهوری اسلامی ایران (جنگ سپتامبر ۲۰۲۰)، نشریه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۹۲، صص ۱۷۹-

یوسفی، جعفر (۱۳۹۱)، نقش سازمان ملل متحد در جنگ جمهوری آذربایجان با

جمهوری ارمنستان، پایان نامه ارشد دانشگاه آزاد تهران مرکزی، تابستان ۱۳۹۱

Aerospacetalk. (1397). Retrieved from [نبرد در قرهباغ کوهستانی جنگ](http://www.aerospacetalk.ir/vb/showthread.php?t=59265)
ارمنستان و آذربایجان:

<http://www.aerospacetalk.ir/vb/showthread.php?t=59265>

Aslanli, A. (2020). Retrieved from Brief History of Ceasefire in the Nagorno-Karabakh Conflict:

<https://www.ifimes.org/en/researches/brief-history-of-ceasefire-in-the-nagorno-karabakh-conflict/4681>

Baghdassarian, A. (2020, DEC 19). Retrieved from The History Behind the Violence in Nagorno-Karabakh:

<https://www.lawfareblog.com/history-behind-violence-nagorno-karabakh>

Hedenskog, Jakob. Lund, Aron. Norberg, Johan (2020) “The End of the Second Karabakh War: New realities in the South Caucasus”, RUFBS Briefing No. 49, Swedish Defence Research Agency

Hewitt, George (2001), Review: SVANTE E. CORNELL, Small Nations and Great Powers. A Study of Ethnopolitical Conflict in the Caucasus, Curzon Press, Caucasus World,

Hovannisian, Richard G. (1967) armenia on the road to independence, 1918, berkeley and los angeles

KHAN, A. (2020, nov 06). Retrieved from Armenia’s model for Nagorno-Karabakh only creates more chaos:

<https://www.dailysabah.com/opinion/op-ed/armenias-model-for-nagorno-karabakh-only-creates-more-chaos>

Schwartz, Donald D. and Panossian, Razmik (1994) Nationalism and History: The Politics of State-Building in PostSoviet Armenia, Azerbaijan and Georgia, Toronto: University of Toronto Press

Tertrais, B. (2021, AUG 06). Retrieved from Armenia-Azerbaijan: The Fire Beneath the Ashes:

<https://www.institutmontaigne.org/en/blog/armenia-azerbaijan-fire-beneath-ashes>

- Waltz, K. (1979), *Theory of International Politics*, New York: Mc Graw-Hill
- Waltz, K. (1989), 'The Origins of War in Neorealist Theory', in R.I. Rothberg and T.K. Robb (eds.), *The Origin and Prevention of Major Wars*, Cambridge University Press
- Welt, Cory. Bowen, Andrew S. (2021) *Azerbaijan and Armenia: The Nagorno-Karabakh Conflict*, Congressional Research Service